یادداشت‌های داروخانه

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شـــویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شـــویم که هر کدامش می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی ســـوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکســـی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شـــنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مســـأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انســـان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رســـیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی اســـت که کارکردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتم تا مســـایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشـــت‌های داروخانه»قلمی کنم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مســـایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

یادداشت ۱

بعضی‌ها ظاهراً خرجی روزانه‌شان را به تهیه دارو هم تعمیم داده و ترجیح می‌دهند که روزانه خرید کنند!

از مراجعه‌کنندگان محلی و دایمی داروخانه است. هر ۲ تا ۳ روز یک بار، یک برگ قرص آملودیپین برای فشارخون و یک برگ قرص متفورمین برای قندخون تهیه می‌کند. یک بار که سؤال کردم، پاسخ داد که این‌طوری راحت‌تر است!

ظاهراً خرجی روزانه‌اش را برای نان و میوه و گوشت و ماست و شیر و پنیر و قرص‌های فشارخون و قندخون اختصاص داده و ترجیح می‌دهد که با این روش، داروهایش را تهیه کند!

یادداشت ۲

من تا حالا شنیده بودم که خانم‌ها سنشان را به این راحتی به کسی نمی‌گویند، ولی اتفاقی که در داروخانه افتاد، معلوم شد که اصولاً خانم‌ها اسرار مگو زیاد دارند، که یکی از آن‌ها «سن» است.

قضیه از این قرار است که خانمی قرص آلگومد برایش توسط پزشک تجویز شده بود و می‌خواست میزان دقیق مصرف آن را برایش بگویم. با توجه به این که میزان مصرف این دارو، یک قرص به ازای هر ۱۰ کیلو وزن است، از ایشان وزن‌شان را سؤال کردم تا میزان دقیق مصرف روزانه دارو را به ایشان بگویم.

هنوز سؤالم تمام نشده بود که از عکس‌العمل ایشان متوجه شدم که «وزن» هم مانند «سن» از جمله اسرار مگوی خانم‌ها است!

یادداشت ۳

بسیاری از مریض‌ها، وسواس عجیبی نسبت به داروی مسکن دارند و اگر نسخه‌ای داشته باشند، مرتب از مسکن بودن داروهایشان سؤال می‌کنند. در واقع، بسیاری از بیماران به‌خصوص اگر سنی از آن‌ها گذشته باشد، از شنیدن داروی مسکن، عین برق‌زده‌ها می‌شوند. فکر می‌کنند با تجویز مسکن و ضدالتهاب، پزشک بیماری‌شان را تشخیص نداده است. بنابراین، در پاسخ چنین سؤالی از سوی بیمار باید خیلی دقت به‌کار برد. به همین دلیل وقتی بیماری از من سؤال می‌کند که آیا دارویش مسکن است، در پاسخ می‌گویم که داروی شما ضدالتهاب است. در واقع، هم اشتباه نگفته‌ام، هم مریض از نظر روانی راحت شده است.

خلاصه در رابطه با مردم، خصوصاً بیماران، باید همه جوانب امر را در نظر گرفت.

یادداشت ۴

سه، چهار بسته قرص لوزار ۲۵ میلی را روی پیش‌خوان داروخانه ولو کرد و از تکنیسین داروخانه درخواست کرد که پس بگیرد. به ایشان توضیح داده شد که دارو را از داروخانه دیگری تهیه کرده و ما آن نوع بسته‌بندی را نداریم. تأیید کرد که از جای دیگری تهیه کرده، ولی چون پزشک معالجش داده، قرص ۵۰ میلی‌گرمی لوزار را تجویز نموده، خواست که با آن عوض کند. وارد بحث شدم و توضیح دادم که همین‌ها را دوتا دوتا که بخورد، همان ۵۰ میلی‌گرم می‌شود. ظاهراً کسی به ایشان گفته بود که نمی‌شود، ولی قانعش کردم که دوتا

قرص ۲۵ میلی‌گرمی، کار یک قرص ۵۰ گرمی را می‌کند و مانعی ندارد.

یادداشت۵

شـــامپوی ضدشوره و خارش ســـر می‌خواست. انتخـــاب را به ما واگذار کرد که داده شـــد. بعد از حساب و کتاب سؤال کرد که چگونه باید مصرف کنـــم؟ توضیح دادم مثـــل بقیه شـــامپوها. فقط شامپوهای درمانی، شـــکل مصرف خاصی دارند. بلافاصله هم چنین توضیـــح دادم: بعد از این که شستشوی سر با شامپوی معمولی تمام شد، مقداری از این شـــامپوی طبی روی سر می‌مالی، ده دقیقه صبر می‌کنی که شـــامپوی دارویی اثر کند، سپس کاملاً موی سر را با شامپو مالش می‌دهی و سر را کاملاً با آب می‌شویی. این کار را تا پایان شامپوی طبی ادامه می‌دهی، تا شوره و خارش برطرف گردد.

یادداشت۶

هنوز بـــه پیش‌خوان داروخانه نرســـیده بود که تقاضای قرص رانیتیدین کرد. من کنار تکنیســـین داروخانه ایســـتاده بودم. هنوز تکنیســـین مربوطه قرص رانیتیدین را نیاورده بود که سؤال کرد: برای آروغ چی دارید؟ خانم حدوداً پنجاه ســـاله‌ای بود. من هم در عین خونســـردی پرسیدم: آروغ زدن، یا آروغ نزدن؟

با دســـت انتهای حنجره‌اش را نشان داد و گفت باد کرده!

پرسیدم: دیدید، یا حس کردید؟

گفت: غذا که می‌خورم این‌طوری می‌شـــود. اگر می‌شود دارو بدهید تا مشکل حل شود. پاسخ دادم: بهتر است همین رانیتیدین را مصرف کنید و در عین حال به متخصص گوارش مراجعه نماید تا مشکل به‌طور اساسی حل شود.